

## تعادل نه افراط و نه تفریط

و غرض جبران ناپذیری به امت اسلامی وارد می آورند .

این تأسف بار است که انسان و مخصوصاً انسان مسلمان ، بر خلاف مکتبش ، راه افراط یا راه تفریط را طی کند ، روشی را پیش گیرد که هرگز باروش اسلامی اش سازگار نباشد .

و شگفت اینجاست که : هم افراط کار ، و هم تفریط کار ، عمل خود را به حساب اسلام بگذارند و خوب شدن را مدافع اسلام بدانند ، در صورتی که هیچکدام از این روشها ربطی به اسلام ندارند و اسلام ، آئین «وسط» و «تعادل» می باشد و همیشه افراط و تفریط را نقطه کرده است .

**اصل اعتدال و حد وسط**

تعادل وحد وسط بودن ، اصلی است که در تمام احکام ، قوانین ، معارف و تعلیمات اسلامی ، چشم می خوره .

سال بیست و یکم شماره ۱

این روزها ، اصطلاحات ، واژه ها و جمله های مخصوصی بر سر زبانها است : انقلابی ، طاعتی ، لیبرال ، سازشکار ، ضد انقلاب ، مکتبی ، در خط آمریکا ، ارتجاع ، روشنفکرو ... و مع الاسف با توجه نداشتن به پیش اسلامی ، معمولاً موارد بکار بردن این اصطلاحات ، رعایت نمی شود او غالباً راه افراط و تفریط را می پیمائیم و گاهی هم با همین وسیله ، یکدیگر را می کوبیم ، و در نتیجه به جای ساختن ، تخریب و ویران می کنیم !

عده ای با تهمت ها ، افتراها ، توهین ها ، و داوریه های شتابزده ، سرمایه ها و ذخائر انسانی را به نابودی می کشند و عده ای دیگر بابت تفاوتی ها ، کناره گیری ها ، خونسردی بیش از حد ، ندانم کاریها ، منفی بافیها و عجیبوئیها ، به وحدت جامعه لطمه میزنند !

### در عقیده و ایدئولوژی :

نه «غلو» وجود دارد و نه «شرک» نه «جبر» پذیرفته است و نه «تفویض» و بالاخره نه «تشبیه» مورد قبول است و نه «تعطیل» اعتدال است و حد وسط .

### در برنامه های اجتماعی

نه مانند یهودیان و مکتبهای مادی ، تنها به مادیات توجه دارد و نه مانند «نصاری» فقط جنبه های روحی و معنوی را موجب شرافت و سعادت می داند .

### در تمام شئون زندگی

در اقتصادیات ، در اخلاقیات ، در عبادات و در همه ابعاد حیات ، به اعتدال توجه شده است ، و يك مسلمان ، طبق برنامه های اعتقادی و اسلامی خویش ، نمی تواند به يك بعد از ابعاد ، توجه نماید و به بعد دیگر بی توجه باشد .

### اعتدال در قرآن :

قرآن ، پس از آنکه اعلام کرده است که : (قبلاً شما نه شرقی و نه غربی است بلکه يك يك قبله میانه است) ، میفرماید و كذلك جعلناكم امة وسطاً لتكونوا علی-

الناس شهداء» (۱) «و همچنین شما را امت وسط و میانه (از هر نظر در حد اعتدال ، میان افراط و تفريط) قرار دادیم تا برای مردم جهان نمونه ، الگو و شاهد و گواه باشید ! ...»

قرآن می خواهد ما را به این حقیقت متوجه سازد که : این میانه و وسط بودن در تمام برنامه ها و تعلیمات اسلامی وجود دارد و باز میفرماید : و لکم کلمة ربك صدقاً وعدلاً (۱) «و کامل شد سخن پروردگار که راست و صحیح و عدل و میانه است» هیچگونه افراط و تفريط و نابجائی در آن راه ندارد و همه چیز در آن ، در حد اعتدال و مناسب جا و مقام خود می باشد . (۲)

### اعتدال انسان در قرآن

انسان در آفرینش و خلقت اولیه بگونه اعتدال آفریده شده است ، و افراد غیر متعادل یقیناً از فطرت اولیه ، تغییر یافته و به نوعی بیماری مبتلا هستند که به علل گوناگون ، گریبانگیرشان شده است . قرآن در مورد خلقت انسان می فرماید : الذی خلقک فسیک فعدلک (۳) «خدائی که تو را

۱- سورة بقره آیه ۱۴۳

۱- ۱۱۵- انعام

۲- در معنی «عدل» معانی گوناگونی وجود دارد از جمله : «میانه» و هر چیزی را در موضع خود قرار دادن ، چنانکه می گویند : العادل الواضع کلشیء موضعه : مجمع- البحرین «عدل»

(۳) ۷- انفطار : فعدلک ای جعلک معتدلاً «عدلک» یعنی تو را معتدل قرار داد و سویک نیز که با سوی هم ریشه است به معنی اعتدال و به معنی آفرینش به مقتضای حکمت آمده است «مفردات راغب»

مکتب اسلام

تمامی مگشای (بی حساب و اندازه بخشش  
 مکن) که مورد سرزنش قرار گرفته پشیمان  
 گردی «والذین اذا انفقوا لم یقتروا  
 وکان بین ذلک قواماً (۶)» و مومنین  
 کسانی هستند که هرگاه اتفاق نمایند نه  
 اسراف و زیاده روی کنند و نه تنگ و سخت  
 بگیرند و در میان این دو ، راه اعتدال را  
 انتخاب کنند. «آنگاه افزودند «اسرفوا»  
 (اسراف) زشتی و بدی است و اقتروا (تنگی  
 و سخت گیری) هم بدی است و کان بین  
 ذلک قواماً (راه اعتدال) نیکی و زیبایی  
 است پس فرزندم بر تو باد که یک نیکی  
 (اعتدال) بین دو بدی (افراط و تفریط) را  
 انتخاب نمائی ! (۷)

و امام حسن عسکری (ع) در این مورد  
 فرمودند : «برای سخاوت ، مقدار و حد  
 معینی هست که اگر از آن حد تجاوز کرد ،  
 دیگر اسراف خواهد بود و برای احتیاط نیز  
 اندازه و حدی است که اگر بیش از آن باشد ،  
 ترس و جبن خواهد بود و برای اقتصاد نیز  
 حد وسطی هست که اگر بیش از آن رعایت  
 گردد ، بخل و تنگ نظری است و همچنین  
 برای شجاعت نیز حد اعتدالی وجود دارد  
 که اگر از آن تجاوز گردد ، تهور و بی باکی  
 است» (۱)  
 پس آنچه که نیکو و مستحسن می باشد ،

طبق مقتضای حکمت آفرید و متعادل ساخت  
 انسان ذاتاً حق را ، نور را ، پاکی را ،  
 راستی را ، عدل را ، زیبایی را ، امانت را ،  
 محبت را ، دوستی را ، صفا و صمیمیت را ،  
 خدمت را ، ساختن را ، پاری و دستگیری را  
 و ... دوست می دارد و طبعاً از راه راست می-  
 رود و طالب حق و جستجو گر حقیقت است .  
 و غیر اینگونه بودن ، برایش عارضی است و  
 طبیعی است که هر که چنین نیست غیر متعادل  
 و از صراط سوی و راه اسلام نیز خارج است .  
**فرمان امام باقر (ع)**

امام محمد باقر (ع) به فرزندش امام  
 صادق (ع) می فرماید : «فرزندم ، بر تو لازم  
 است که در میان دوزشتی و بدی ، یک نیکی  
 و زیبایی را انتخاب کنی ، تا بوسیله آن  
 زیبایی ، آن دوزشتی را از میان برداری !  
 عرضه داشت : چگونه پدر ؟ فرمود : مثل  
 کلام خدا که فرموده است لا تجهر بصلواتک  
 ولا تخافت بها و اتبع بین ذلک سبیلاً  
 (۲) «نماز خویش را نه خیلی با صدای بلند  
 بخوان و نه بسیار آرام و راهی بین این دو انتخاب  
 کن .» و همچنین فرموده است و لا تجعل  
 یدک مغلوله الی عنقک و لا تبسطها  
 کل البسط فتقع مدلولاً محصوراً (۳)  
 «(در بزل و بخشش) دست را بگردنت بسته  
 مدار (بخیل و مالدوست نباش) و آنرا به

(۴) اسراء - آیه ۱۱۰

(۵) اسراء آیه ۲۹

(۶) فرقان آیه ۶۷

(۷) سفینه «وسط»

آیا صحیح است انقلابی بودن را طوری تعبیر کنیم و بدانیم که با این بهانه ، اهانت کنیم ، تهمت بزنیم ، آبروی مسلمانی را ببریم ، و در کوبیدن افراد ، به هر وسیله ای دست بیاوریم . ۱۹ با کوچکترین اختلاف نظرو سلیقه ، طرف مقابل را تاحد تکفیر و خیانت کاری متهم سازیم ۱۹

و آیا اصلاح است ، آنقدر سازشکار باشیم که حتی هر نوع حرکت غیر اسلامی را نیز تجویز کنیم و مخالفت با آنرا مخالف آزادی و دموکراسی بدانیم ۱۹ آیا صحیح است با هر شخص خود باختة و تسلیم فرهنگهای بیگانه شده ، کنار بایئیم و عملی را بپذیریم و اسم این رفتار را ، روشنفکری بگذاریم ۱۹ نه ، نه این صحیح است و نه آن ، آن افراط است و این تفریط ، آن بی جهت دفع می کند ، برخلاف اسلام و برخلاف روش معصومین (ع) که جذب می کردند و این در آنجا که باید دفع کند ، جذب می نماید و تسلیم می شود ۱۹ برخلاف اسلام و برخلاف روش معصومین هر دو راه افراط و تفریطند و اعتدال آن است که در عین انقلابی بودن ، به همه فضائل و کمالات اخلاقی پای بند باشیم و همه معمرات و واجبات اسلام را رعایت

بایه در صفحه ۴۹

حداعتدال است ، نه زیاد و کم ، نه افراط و نه تفریط ، و مولای آزادگان علی (ع) هنگام وصیت به امام حسن (ع) میفرماید : **واقتصد یا بنی فی معیشتک** ، **واقتصد فی عبادتک** .. «فرزندم در زندگی خویش از جهت مادی و همچنین در عبادت کردن ، اقتصاد و اعتدال و میانه روی را رعایت کن » (۲)

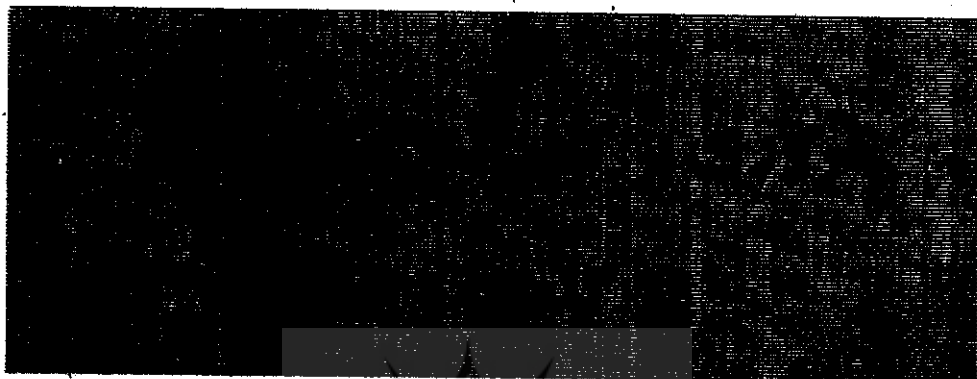
ملاحظه می کنید که امام (ع) سفارش می کند : حتی در عبادت کردن ، افراط و تفریط نشود و از حداعتدال خارج نشویم . روایات در این مورد بسیار است ، و در اینجا در صدد نقل روایات نیستیم ، این مقدار برای این بوده که : ما مسلمانان که تابع اسلام و قرآن و پیرو معصومین (ع) هستیم ، نیایستی از روش و بینش اسلامی خارج گردیم : مخصوصاً اکنون که حکومت جمهوری اسلامی تشکیل شده است ، اگر با افراط و تفریطها ، از تعادل خارج شویم به اسلام لطمه زده ایم و دیگر اامت وسط نیستیم ۱ و لطمه بزرگتر اینکه : بیگانگان ، اسلام را از عملکرد و روش ما خواهند دید و گمان خواهند برد که : اسلام همین است ، اسلامی که زیاده روی در عبادت را هم صحیح نمی داند .

(۱) ان للسخاء مقداراً فان زاد علیه فهو سرف وللحزم مقداراً فان زاد علیه فهو جبن وللاقتصاد مقداراً فان زاد علیه فهو بخل وللشجاعة مقداراً فان زاد علیه فهو تهور ، سینه «وسط»

(۲) مدرک قبلی «قصد»

مکتب اسلام

# اخبار جهان اسلام



✽ مروری بر کنفرانس‌های اسلامی در گذشته و حال  
✽ کنفرانس طائف بدون هیچ گونه تصمیم عملی برای جهان اسلام  
✽ تصمیمات کنفرانس مسخره بود !!  
✽ سادات استعمار را به مصر

باز میگردانند! ام‌الانسانی و مطالعات فرهنگی

انجام اقدامات لازم پیرامون این مسئله هستند.

همچنین لازم بود که این والعه، بصورنی  
اضطراری و در کمال قدرت ظاهرسازی  
شود! در واقع نیز گردهم آئی سریع، رهبر  
دولت، از جمله پادشاهان، رؤسای  
جمهوری و نخست وزیران به اندازه کافی  
تماشائی بود! و رهبران، تصور کاذب  
قدرت را بدک می‌گشیدند که سرعت تجمع  
آنها ضرورتی را القاء می‌کرد! این نشریه  
سال بیست و یکم شماره ۱

نشریه اسلامی گرسنت اینترنشنال  
بمناسبت برگزاری کنفرانس اسلامی در شهر  
طائف مقاله‌ای انتشار داده و ضمن مروری  
بر دو کنفرانس قبلی می‌نویسد:  
هر يك از دواجلاس قبل بدتببال يك فاجعه  
بزرگ برگزارشد، كنفرانس رباط در سال  
۱۹۶۹ پس از نگرانی مسلمانان از آتش-  
سوزی مسجد الاقصی برگزار شد كه  
در آن دولت‌های اسلامی جهان سعی كردند  
به ملت‌های خود وانمود كنند كه مشغول

در بخش دیگری از مقاله خود می نویسد :  
 باید یادداشت رهبران کشورهای اسلامی  
 در رباط که بر سر آتش سوزی «مسجد الاقصی»  
 داد و پیداد براه انداخته بودند در همان حال  
 از مشتریان حامی رژیم اشغالگر قدس ،  
 یعنی آمریکا به حساب می آمدند ۱ و بدین-  
 ترتیب اجلاس اسلامی سران را مجموعه ای  
 شامل بعضی از حاکمان بی عرضه و ناتوان  
 و کاملاً ناهق تشکیل می داد .

آنها طبق معمول به صدور قطعنامه های  
 رایج پرداختند . بیانیه رباط با کلماتی  
 زیبا از ایمان آنها به ارزش های معنوی ،  
 اخلاقی ، اجتماعی و اقتصادی اسلام سخن  
 می گوید . همچنین دو نظریه در این اجلاس  
 ابراز شد : اول آنکه اجلاس ، به مسئله  
 مسجد الاقصی و فلسطین بپردازد ، و نظریه  
 دیگر (که نهایتاً نیز حاکم شد) صرفاً خواستار  
 ایجاد نهادهائی برای همکاری کشورهای  
 اسلامی بود .

در سال ۱۹۷۲ کنفرانس وزرای خارجه  
 درجده ، منشور سازمان کنفرانس اسلامی  
 را که با عنوان دبیران اسلامی نیز شناخته  
 می شوند برگزید . این کنفرانس نیز محور  
 را از منافع حیاتی اسلام از جمله بازپس  
 گیری فلسطین ، به نظریه های مبهمی از-  
 قبیل «همبستگی اسلامی میان اعضاء» تغییر  
 داد . مسئله جالب اینجاست که چگونه  
 می توان همبستگی اسلامی را در میان  
 شوراهائی که بعضی از آنها اصولاً مخالف  
 سلام هستند گسترش داد ۱۲

مکتب اسلام

در حالیکه سازمان کنفرانس مراحل  
 مختلف ظهور خود را می گذراند ، دومین  
 تاجعه بوقوع پیوست و کنفرانس اسلامی  
 لاهور در سال ۱۹۷۳ برگزار شد . این  
 واقعه همانا شکست ارتش پاکستان در  
 پاکستان شرقی و ظهور بنگلادش بود . به تو  
 نخست وزیر سابق پاکستان احتیاج به فرصتی  
 داشت تا بنگلادش را به رسمیت بشناسد و  
 مجیب الرحمن را هم وارد گوید کند .

وی همچنین علاقمند بود تا عنوان ریاست  
 کنفرانس را بنمایش گذاشته و روحیه مردم  
 را تقویت کند بدین ترتیب بود که با همکاری  
 دوستانش از جمله شاه معدوم و شاه فیصل ،  
 کنفرانسی در لاهور ترتیب داده شد . در واقع  
 هر دو کنفرانس اصولاً برای آماده کردن  
 افکار عمومی مسلمانان به منظور دائمی تلقی  
 کردن يك شکست بود : اول در فلسطین ،  
 و سپس در پاکستان شرقی .

برگزاری سومین کنفرانس اسلامی را  
 برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ پیشنهاد  
 کردند که بر اساس آن سران کشورهای  
 اسلامی بایستی به عنوان جزئی از مراسم  
 بزرگداشت چهاردهمین قرن هجرت در مکه  
 گردهم می آمدند .

سرانجام سومین کنفرانس سران اسلامی  
 که قرار بود در جده برپا شود ، در طائف  
 برگزار شد ولی دیگر از آن به عنوان کنفرانس  
 پانزدهمین قرن هجرت یاد نشد .

همچنانکه صاحب نظران منطقه پیش بینی  
 می کردند ، این کنفرانس نیز مانند چند

آمریکا برای مردم پاکستان غیر قابل قبول است .

این کنفرانس در پایان کار خود قطعنامه‌هایی انتشار داد که بنا به اظهار نظر روزنامه‌های منطقه تنها شعار بوده و سرانجام بهیچ نتیجه‌ای نخواهد انجامید .

به گزارش روزنامه کویتی «الرای العام» قطعنامه‌های کنفرانس اسلامی در مورد درگیری‌های میان اعراب و اسرائیل مسخره بوده و تازمانیکه جهان اسلام موضع محکم و سرسختی در مقابل ایالات متحده اتخاذ نکند کلیه گفتگوها در مورد فلسطین اشغالی بتنهایی سبب تمسخر مردم مسلمان خواهد شد . الرای العام خاطر نشان ساخته تا زمانیکه فقط با اسرائیل مواجه شده و آمریکا را که تامین سلاح‌های رژیم اشغالگر قدس را بعهده دارد نادیده بگیریم هیچ پیشرفتی نخواهیم کرد . به نوشته این روزنامه کلیه مذاکرات و قطعنامه‌های انتشار یافته تا زمانیکه مسئله فلسطین در رابطه با آمریکا بهمان روش افغانستان مطرح نشود تنها جنبه تشریفاتی خواهد داشت .

روزنامه «الشعب» چاپ لبنان در این زمینه نوشت : مسلمانان نیازی به تشکیل کنفرانس‌ها و سمینارها ندارند بلکه احتیاج به رهبران متعهد و اندیشمندی دارند که بتوانند جامعه را از نظرایده‌تولوژیك هدایت کنند .

این روزنامه می‌افزاید امروز ما به هیچیک از سرانی که در کنفرانس طائف اجتماع سال بیست و یکم شماره ۱

کنفرانس گذشته نتیجه مهمی نداشت و فقط با شعار و حرف به پایان رسید !

(تلخیص از اطلاعات شماره ۱۶۳۳۶)

## کنفرانس طائف بدون هیچ تصمیم عملی برای جهان اسلام پایان یافت

روزنامه الرای العام تصمیمات کنفرانس را مسخره خواند  
طائف - خبرگزاری‌ها

سومین کنفرانس اسلامی با شرکت رهبران ۳۷ کشور مسلمان نشین در طائف برای تقویت سلطه آمریکا در منطقه و ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران که در جلسات خصوصی آن آمریکا، مصر، عربستان، اردن و عراق برای ایجاد اغتشاش، ایجاد اختلاف بین شیعه و سنی و تجزیه ایران به توافق رسیدند به کار خود پایان داد . طی جلسات خصوصی این کنفرانس اردن و عراق از عربستان سعودی خواستند آمریکا را وادار به عدم تحویل سلاح‌های توقیف شده به ایران کند . در همین جلسات پشت پرده عراق کوشید آمادگی خود را برای بذل کلیه امکانات خود جهت یک حرکت بظاهر مترقی در بلوچستان به پاکستان اعلام کند ولی پاکستان در پاسخ به این مسئله طرح تجزیه بلوچستان ایران را مرگ جدی برای پاکستان خواند . پاکستان به عراق گفته است چنین طرحی چه تحت عنوان اسلام، چه بلوچ، چه با کمک روسها و چه با کمک

کرده‌اند اطمینان نداریم و با بی‌تفاوتی از کنار سخنان آنان می‌گذریم زیرا آنچه آنها را به آن دعوت می‌کنند با ماهیت و عملکردهای خود آنها تفاوت‌های زیاد دارد.

(کیهان شماره ۱۱۲۰۴)

جنگ دوم جهانی با تمام عوارضی که داشت و نزدیک به ۱۰۰ میلیون نظامی و غیرنظامی که قربانی آن شدند، یک‌بارتاب جنبی هم داشت و آن هم بیداری بی‌سابقهٔ عالمان خصوصاً در کشورهای مستعمره بود. این بیداری منشأ نهضت جهانی وسیعی شد که استعمارپون را همه‌جا از چین گرفته تا آمریکای جنوبی بلرزه درآورد. کار جهانی رسید که سازمان ملل مجبور شد «کمیته استعمارزدایی» درخودتشکیل دهد و هرچا استعمارگران در برابر مردم مقاومت می‌کردند، به آنها هشدار دهد. جنبش ناسیونالیستی عرب هم گوشه‌ای از همین نهضت ضد استعماری عالم بود و از همان سرچشمه سیراب می‌شد.

ظهور «ناصر» در مصر و توسعه ناصر - یسم به عنوان بازوی محرکه جنبش ضد استعماری عرب هم زائیده همان پس‌دیده جهانی بود.

«ناصر توانست مصر را از چنگ خالدان

مکتب اسلام

«محمد علی پاشا بیرون کشیده و به عمر رژیم پرازفساد «فاروق» خاتمه دهد.

ولی این هنوز اول کار بود. نفوذ، ۴۰ ساله انگلیس و شبکه بهم پیوسته نوکران و سرسپردگان و عوامل آن، چنان عمیق و وسیع بود که به این آسانها از هم گسسته نمیشد. از اینها گذشته خود قوای انگلیس بنا به قرارداد کاپیتولاسیونی که با رژیم فاروق داشت در دره نیل مستقر بود «ناصر می‌دانست که تا حضور قوای مزبور در مصر باقی است مبارزه برای ریشه‌کنی نفوذ انگلیس و عوامل انگلیس بیهوده است.

از اینرو در ۱۹۵۴ کانال سوئز را ملی اعلام کرد. این تنها ضربه به انگلیس نبود، بلکه اعلان جنگ علنی یک ملت مستضعف و مستعمره به همه استعمارگران اروپایی بود. در برابر چنین جسارت خلاف انتظار بود که چتربازان انگلیس، فرانسوی و وابسته آنها اسرائیل در کانال سوئز پیاده شدند و ناصر توانست بارشادت، آنان را بیرون براند.

این اقدام ناصر «نقطه عطفی» را در روابط کشورهای بینوا - توانگر خصوصاً روابط انگلیس و مصر رقم زد. این واقعه الهام بخش تکانهای دیگری در جهان عرب شد و سرانجام به راهائی عراق، یمن جنوبی و شمالی هم منجر گشت. انگلیس مجبور شد بطور کلی استراتژی استعماری خود را تغییر دهد و عقب نشینی از سوئز، بدنبال خود عقب نشینی انگلیس را از شرق سوئز هم



بدنبال داشت - شرق سوئز شامل عدن ،  
خلیج فارس ، اتیانوس هند و خاور دور هم  
می شد .

چنین اقدام بزرگی که منشأ بهم خوردن  
استراتژی استعمار انگلیس در سراسر خاور  
میانه و آنسوی کانال سوئز شد ، دهسال  
پس از مرگ «ناصر» بدست سادات واروله  
شده است .

سادات که خود افسری از ارتش  
مستعمراتی انگلیس در جنگ دوم  
جهانی بود و بجرم همکاری با نازیها  
محکوم شده و قرار بود اعدام شود  
«حق نمک» ا را فراموش نکرده و  
دهسال پس از مرگ ناصر یا «قتل  
مرموز» ناصر تمام رشته های او را  
پنبه می کند .

او بود که نخستین بار در سال ۱۹۷۵  
«کی سیجر» یهودی اسرائیل پرست آمریکائی  
را به خاور میانه راه داد و بکمک او بود که  
قرارداد ترک مصالحه با اسرائیل را امضاء  
کرد ، او بود که دفتر فلسطین را در مصر  
بست و صدای فلسطین را که در کنار  
«صوت العرب» در جهان عرب طنین انداز  
می شد خاموش کرد . او نخستین رئیس  
دولت عرب بود که به اسرائیل رفت و دست  
«هگمن» را بوسید و قرارداد ننگین «کمپ  
دیوید» را امضاء کرد . و بالاخره آخرین  
پرونده سیاه بندیهای او اجازه ورود به هزاران  
سرباز و هواپیمای آمریکائی به غلغله مصر  
برای مانور مشترک نیروهای «مداخله

سریع» می باشد .

روسیاهی از این بالاتر نمی شود  
که سادات ، استعمار آمریکا را  
جانشین استعمار گمشده انگلیس کند  
و ارتش آمریکا درست در همان  
نقطه ای به مانور پردازد که ناصر  
به قیمت خون و ایثار برادران مسلمان  
مصری توانسته بود به استعمار ۲۰۰  
ساله انگلیس پایان دهد .

آری هر جاد استعمار نو ، جای استعمار  
کهنه را گرفته به کمک «فوجران نو» بوده  
و سادات نوترین نوکر استعمار نواست که  
در راه زبونی جهان عرب و اسلام بدست  
آمریکا بدهد آمده ، رشد کرده و شرف و  
اعتبار مصر و جهان عرب را قربانی خیانتهای  
خود میکند .

«جرائد»

#### بقیه از صفحه ۴۴

کنیم ، حیثیت و شخصیت و آبروی مردم  
را ، عقائد و آزادی و آراء و نظریات آنان  
را محترم بشماریم . و معتقد باشیم که اهانت  
به آنها ، گناهی بزرگ و خطائی خطیر  
است .

و از طرفی دیگر ، در عین رعایت احترام  
مردم ، توجه به آزادی ها و عقائد و نظریات  
آنان و در هر حال محبت و علاقه به اجتماع ،  
بدون هیچگونه غرور و خودخواهی ،  
مواظب برب شیاطین و چند چهرگان  
باشیم و ناخواسته در دام دشمنان نیفتیم .

ناتمام

سال بیست و یکم شماره ۱